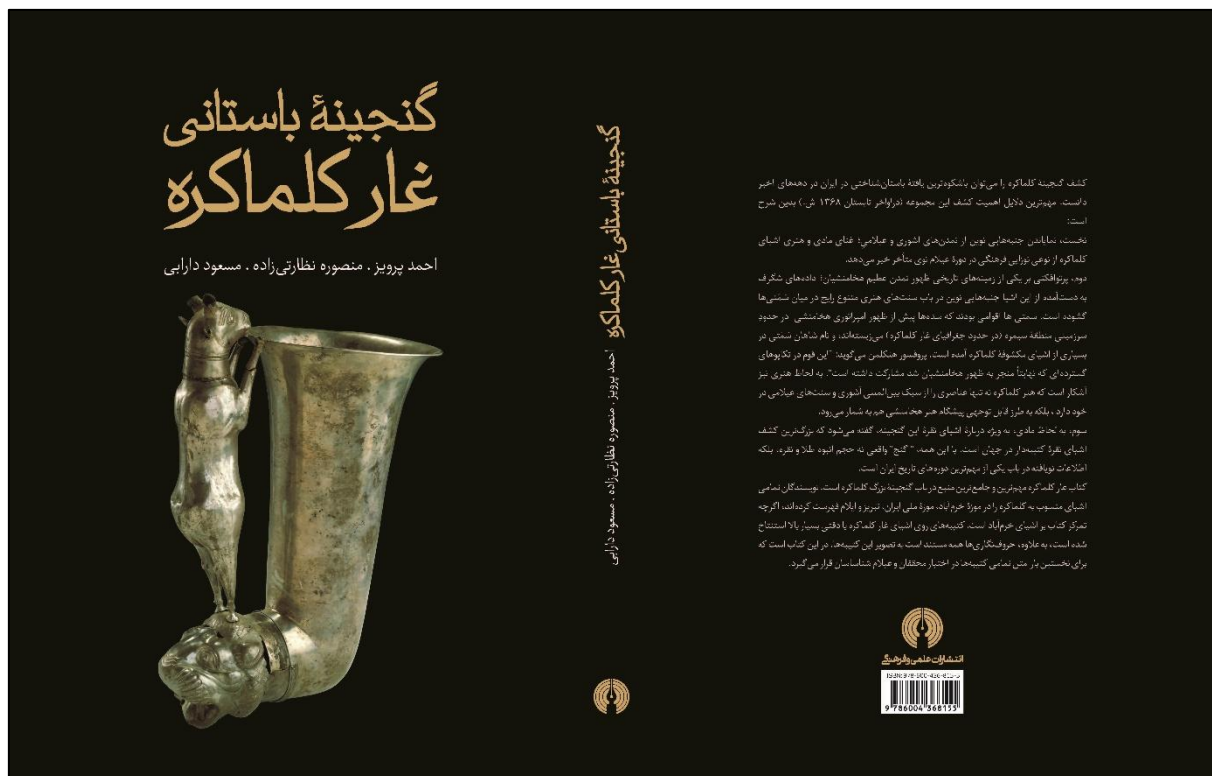


معرفی و نقد کتاب «گنجینه باستانی غار کلماکره»

مهدی رازانی 

دانشیار، مرمت و باستان‌سنجی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2026.594681.1057>



۱. مقدمه و اهمیت موضوع

غار کلماکره در جنوب استان لرستان، به واسطه گنجینه کم‌نظیر اشیای فلزی و نقره‌ای منسوب به اواخر دوره عیلام نو، از شاخص‌ترین محوطه‌های شناخته‌شده در باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران به شمار می‌آید. این مجموعه، افزون بر ارزش هنری و فنی، به دلیل وجود کتیبه‌های عیلامی، تنوع گونه آثار و کیفیت بالای فلزکاری، جایگاهی ویژه در بررسی تحولات فرهنگی و هنری نیمه دوم هزاره نخست پیش از میلاد دارد. با این حال، کشف اتفاقی غار در سال ۱۳۶۸ و غارت گسترده آن، موجب نابودی بخش عمده‌ای از زمینه باستان‌شناختی مجموعه و پراکندگی آثار در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی داخل و خارج از کشور شد. این وضعیت، طی چند دهه گذشته، امکان مطالعه جامع و مستند گنجینه را با محدودیت‌های جدی روبه‌رو ساخت و پژوهشگران را ناگزیر به استفاده از گزارش‌های پراکنده، تصاویر محدود و اطلاعاتی با دسترسی نامتوازن کرد. در چنین شرایطی، انتشار کتاب گنجینه باستانی غار کلماکره، تألیف احمد پرویز، منصوره نظارتی‌زاده و مسعود دارابی^۱، گامی سازنده در سامان‌دهی و یکپارچه‌سازی داده‌های موجود درباره این مجموعه به شمار می‌آید. این کتاب حاصل پژوهش‌های میدانی، مستندسازی و بررسی‌های تخصصی نویسندگان بر روی اشیای منسوب به غار کلماکره است و با گردآوری داده‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی، تاریخ هنر و مطالعات تطبیقی، تصویری منسجم از زمینه تاریخی، فرهنگی و هنری این گنجینه ارائه می‌کند. افزون بر معرفی و توصیف آثار، کتاب با بررسی شرایط کشف، پراکندگی مجموعه، خوانش کتیبه‌ها و تحلیل ویژگی‌های سبک‌شناختی، امکان بازخوانی جایگاه این گنجینه را در تحولات اواخر دوره عیلام نو و آستانه شکل‌گیری هنر هخامنشی فراهم ساخته است. یکی از وجوه متمایز کتاب، مستندسازی نظام‌مند آثار است. به گونه‌ای که در فصل سوم، هر شیء با ثبت دقیق مشخصات معرفی شده و تصاویر استاندارد و با کیفیتی از آن ارائه شده است. این شیوه مستندسازی، کتاب را از یک کاتالوگ صرف فراتر برده و

مجموعه‌ای مستند از داده‌های اولیه پژوهش را در اختیار جامعه علمی قرار داده است؛ داده‌هایی که می‌توانند مبنای مطالعات تطبیقی، پژوهش‌های تاریخ هنر، بررسی فناوری ساخت، مطالعات باستان‌سنجی و ارزیابی اصالت آثار منسوب به کلماکره قرار گیرند. نوشته حاضر با هدف معرفی و ارزیابی تحلیلی این اثر، جایگاه آن را در مطالعات باستان‌شناسی، فلزکاری ایران باستان و حفاظت میراث فرهنگی بررسی می‌کند. در این راستا، ضمن معرفی ساختار و محتوای کتاب، دستاوردهای علمی، نوآوری‌های پژوهشی، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های آن برای تحقیقات آینده تحلیل می‌شود تا سهم این اثر در توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای مرتبط با میراث فرهنگی ایران روشن‌تر شود.

۲. معرفی کتاب و تحلیل ساختار اثر

کتاب گنجینه باستانی غار کلماکره، در سال ۱۴۰۴ توسط انتشارات علم و فرهنگ منتشر شده است. این اثر حاصل بیش از دو دهه پژوهش درباره مجموعه‌ای از اشیای منسوب به غار کلماکره است؛ پژوهشی که از مستندسازی آثار موجود در موزه فلک‌الافلاک خرم‌آباد آغاز شده و با بررسی آثار نگهداری شده در موزه ملی ایران و دیگر مجموعه‌های شناخته‌شده ادامه یافت. هدف اصلی کتاب بر اساس ادعای نویسندگان، گردآوری، سامان‌دهی و تحلیل داده‌هایی است که پیش از این به صورت پراکنده در گزارش‌های باستان‌شناسی، مقالات علمی و مجموعه‌های موزه‌ای در دسترس بودند و تاکنون در قالب اثری واحد ارائه نشده بودند. چارچوب کتاب بر این اصل استوار است که مطالعه گنجینه‌ای با زمینه باستان‌شناختی آسیب‌دیده، تنها با اتکا به شواهد مادی امکان‌پذیر نیست و مستلزم تلفیق داده‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی، تاریخ هنر، جغرافیای تاریخی و مطالعات تطبیقی است. از این رو، نویسندگان کوشیده‌اند اشیای کلماکره را نه به عنوان مجموعه‌ای از آثار منفرد، بلکه در پیوند با بستر تاریخی، فرهنگی و هنری آنها بررسی کنند. این رویکرد، کتاب را از قالب رایج کاتالوگ‌های موزه‌ای فراتر برده و به پژوهشی میان‌رشته‌ای تبدیل کرده است که در آن، مستندسازی آثار در خدمت تفسیر تاریخی قرار گرفته است.

ساختار سه‌فصلی کتاب نیز با همین منطق تنظیم شده است. فصل نخست با بررسی ویژگی‌های طبیعی، جغرافیایی و تاریخی منطقه، زمینه‌ای برای فهم جایگاه غار کلماکره در تحولات فرهنگی زاگرس فراهم می‌آورد. نویسندگان در این فصل، غار را صرفاً محل کشف اشیای تلقی نمی‌کنند، بلکه آن را در ارتباط با شبکه‌های استقرار، مسیرهای ارتباطی و سنت‌های فرهنگی منطقه تحلیل می‌کنند. این رویکرد سبب می‌شود خواننده پیش از ورود به بررسی آثار، با بستر شکل‌گیری و اهمیت تاریخی مجموعه آشنا شود. فصل دوم به روایت کشف، غارت، پراکندگی و بازپایی آثار اختصاص دارد؛ اما ارزش این بخش تنها در بازسازی روند تاریخی رویدادها نیست. نویسندگان با نشان دادن پیامدهای حفاری‌های غیرمجاز و خروج غیرقانونی آثار، تأثیر از دست رفتن زمینه باستان‌شناختی را بر امکان تفسیر علمی مجموعه به‌خوبی آشکار می‌کنند. در کنار این مباحث، معرفی و تحلیل کتیبه‌های عیلامی و بررسی ارتباط آنها با سرزمین «سمتی»، افق تازه‌ای برای باستان‌شناسی جایگاه تاریخی و سیاسی گنجینه در اواخر دوره عیلام نو می‌گشاید و چارچوب تفسیری لازم برای مطالعه اشیای معرفی شده در فصل بعد را فراهم می‌سازد.

فصل سوم، که مهم‌ترین بخش کتاب به شمار می‌آید، به معرفی و مستندسازی نظام‌مند اشیای منسوب به غار کلماکره اختصاص یافته است. در این فصل، هر اثر به صورت مستقل معرفی شده و اطلاعاتی شامل ابعاد، ویژگی‌های کالبدی، نقوش، کتیبه‌ها، تزیینات، محل نگهداری و سایر مشخصات شناسنامه‌ای آن همراه با تصاویر استاندارد و باکیفیت ارائه شده است. اهمیت این بخش صرفاً در گردآوری اطلاعات توصیفی نیست، بلکه در فراهم آوردن مجموعه‌ای مستند از داده‌های پایه‌ای است که امکان مطالعات تطبیقی، تحلیل‌های تاریخ هنر، بررسی فناوری ساخت و پژوهش‌های مرتبط با حفاظت، باستان‌سنجی و اصالت‌سنجی آثار فلزی را فراهم می‌کند. از این منظر، کاتالوگ کتاب بخشی از استدلال علمی اثر است، نه صرفاً ضمیمه‌ای تصویری. در مجموع، سازمان‌دهی کتاب از منطقی روشن و مرحله‌به‌مرحله پیروی می‌کند؛ به گونه‌ای که خواننده ابتدا با بستر طبیعی و تاریخی مجموعه آشنا می‌شود، سپس سرگذشت کشف و پراکندگی آثار را دنبال می‌کند و در نهایت به مستندات اصلی پژوهش دسترسی می‌یابد. این انسجام ساختاری موجب شده است که کتاب، افزون بر معرفی یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های فلزی ایران، منبعی قابل‌اتکا برای پژوهش‌های بعدی در حوزه‌های باستان‌شناسی، تاریخ هنر، فلزکاری ایران باستان، حفاظت و باستان‌سنجی باشد.

۳. جایگاه و دستاوردهای علمی کتاب

ارزش علمی کتاب گنجینه باستانی غار کلماکره را باید پیش از هر چیز در سامان‌دهی و یکپارچه‌سازی داده‌هایی جست‌وجو کرد که طی چند دهه در منابع مختلف، از جمله گزارش‌های باستان‌شناسی، مقالات تخصصی، کاتالوگ‌های موزه‌ای و مجموعه‌های خصوصی، به صورت پراکنده منتشر شده بودند. از آنجا که غارت گسترده غار و پراکندگی آثار، امکان مطالعه مستقیم کل مجموعه را برای پژوهشگران محدود کرده بود، گردآوری این اطلاعات در قالب اثری واحد، گامی مؤثر در تسهیل مطالعات بعدی و ارجاع به داده‌های مستند به شمار می‌آید. از این منظر، کتاب بیش از آنکه صرفاً معرفی مجموعه‌ای از اشیای باشد، کوششی برای بازسازی دانش موجود درباره یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های فلزی ایران است.

دستآورد دیگر کتاب، اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای در تحلیل مجموعه است. نویسندگان با بهره‌گیری هم‌زمان از داده‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی، تاریخ هنر، جغرافیای تاریخی و مطالعات تطبیقی، تلاش کرده‌اند آثار را در بستر تاریخی و فرهنگی خود تفسیر کنند. این رویکرد، امکان بررسی گنجینه را فراتر از توصیف کالبدی اشیای فراهم ساخته و به بازخوانی بخشی از ساختارهای سیاسی، فرهنگی و هنری مرتبط با اواخر دوره عیلام

نو کمک کرده است. در نتیجه، کتاب نشان می‌دهد که حتی در نبود بخش مهمی از زمینه باستان‌شناختی، می‌توان با تلفیق شواهد موجود، تصویری منسجم‌تر از جایگاه تاریخی مجموعه ارائه کرد.

در حوزه تاریخ هنر، کتاب سهم قابل توجهی در تبیین ویژگی‌های سبکی آثار کشف‌شده از غار کلماکره دارد. تحلیل نقوش، ترکیب‌بندی‌های تزئینی، پیکره‌های جانوری، مضامین نمادین و کتیبه‌های عیلامی، امکان بررسی تعامل سنت‌های هنری عیلامی و آشوری و تداوم برخی از این ویژگی‌ها در هنر آغاز دوره هخامنشی را فراهم می‌کند. اگرچه برخی از این دیدگاه‌ها نیازمند بررسی‌های تکمیلی و مقایسه با داده‌های جدید باستان‌شناختی هستند، اما مجموعه شواهد ارائه‌شده، مبنایی ارزشمند برای پژوهش‌های آینده در تاریخ هنر و باستان‌شناسی ایران از منظر فلزکاری در هزاره اول ق.م فراهم می‌آورد.

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های کتاب از منظر مطالعات فلزکاری، ثبت نسبتاً دقیق اطلاعات فنی آثار است. نویسندگان برای هر شیء، اطلاعاتی مانند ابعاد، مشخصات ظاهری، توصیف نقوش، کتیبه‌ها، محل نگهداری و سایر ویژگی‌های شناسنامه‌ای را همراه با تصاویر استاندارد و باکیفیت ارائه کرده‌اند. این شیوه مستندسازی، امکان مقایسه نظام‌مند آثار، بررسی ویژگی‌های فنی و هنری و شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را فراهم می‌کند. هرچند کتاب با هدف انجام مطالعات متالورژیکی یا تحلیل‌های آزمایشگاهی تدوین نشده است، اما داده‌های ارائه‌شده می‌توانند مبنای پژوهش‌های بعدی در زمینه فناوری ساخت، سازمان تولید، انتقال دانش فنی و تحول سنت‌های فلزکاری در غرب ایران باشند.

از منظر حفاظت و باستان‌سنجی نیز، این کتاب کارکردی فراتر از معرفی آثار دارد. مستندسازی دقیق ویژگی‌های هر شیء و انتشار تصاویر استاندارد، بخشی از فرایند حفاظت از دانش مرتبط با مجموعه‌ای است که بخش قابل توجهی از آن از بستر اصلی خود جدا شده و امروزه در موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف پراکنده است. چنین مستنداتی می‌توانند در مطالعات آینده برای مقایسه آثار، بررسی اصالت نمونه‌های منسوب به کلماکره، شناسایی نمونه‌های مشکوک و طراحی پژوهش‌های باستان‌سنجی مورد استفاده قرار گیرند. از این رو، کتاب ظرفیت آن را دارد که به یکی از منابع مهم در مطالعات مرتبط با مستندسازی، حفاظت و اصالت‌سنجی آثار فلزی ایران تبدیل شود. در مجموع، دستاوردهای علمی کتاب را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد: نخست، گردآوری و سازمان‌دهی مجموعه‌ای پراکنده از اطلاعات درباره گنجینه کلماکره؛ دوم، ارائه چارچوبی میان‌رشته‌ای برای تحلیل داده‌های تاریخی، هنری و باستان‌شناختی؛ و سوم، فراهم کردن بستری مستند برای توسعه پژوهش‌های آینده در حوزه‌های فلزکاری ایران. این ویژگی‌ها موجب شده است که کتاب، در محدوده اهداف خود، سهمی قابل توجه در توسعه مطالعات مربوط به یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های فلزی ایران ایفا کند.

۴. نقد علمی و محدودیت‌های اثر

در کنار ارزش علمی و مستندسازی دقیق، کتاب گنجینه باستانی غار کلماکره با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو است که بخش عمده آنها نه از کاستی‌های روش‌شناختی نویسندگان، بلکه از شرایط ویژه کشف و سرگذشت این گنجینه ناشی می‌شود. غارت گسترده آثار، فقدان کاوش باستان‌شناختی نظام‌مند در زمان کشف، نابودی بخش مهمی از زمینه استقراری اشیاء و پراکندگی مجموعه در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی، امکان بازسازی کامل بافت فرهنگی و تاریخی گنجینه را محدود کرده است. از این رو، نویسندگان ناگزیر بوده‌اند در بسیاری از موارد، تحلیل‌های خود را بر شواهد موجود، مقایسه‌های سبک‌شناختی، داده‌های کتیبه‌شناختی و منابع تاریخی استوار کنند. این محدودیت‌ها بر میزان قطعیت برخی تفسیرها تأثیر گذاشته، اما از ارزش مستندسازی کتاب نمی‌کاهد.

از منظر مطالعات فلزکاری و باستان‌سنجی، کتاب اطلاعات ارزشمندی درباره ویژگی‌های کالبدی آثار، نقوش، کتیبه‌ها، ابعاد و آرایه‌های تزئینی ارائه می‌دهد، اما دامنه پژوهش به تحلیل‌های آزمایشگاهی گسترش نیافته است. ارائه داده‌هایی همچون ترکیب عنصری آلیاژها، ریزساختار فلز، آثار ابزار بر سطح اشیاء، فناوری‌های ساخت و اتصال، روش‌های طلاکوبی یا آبکاری و نیز نتایج مطالعات متالورگرافی، می‌توانست درک دقیق‌تری از فناوری تولید، سازمان کارگاهی، منشأ مواد اولیه و ارتباط این مجموعه با دیگر مراکز فلزکاری هم‌دوره فراهم آورد. البته این موضوع را باید بیش از آنکه کاستی کتاب دانست، ناشی از دامنه و اهداف تعریف‌شده اثر در قالب جلد نخست یک مجموعه تعریف کرد؛ به‌ویژه آنکه نویسندگان در پایان کتاب از انتشار مجلدهای مستقل درباره مطالعات باستان‌سنجی و ریزساختارشناسی آثار خبر داده‌اند. از سوی دیگر، با وجود بهره‌گیری مناسب از مطالعات تطبیقی، انتظار می‌رفت در برخی بخش‌ها جایگاه گنجینه کلماکره در مقایسه با دیگر مجموعه‌های شاخص فلزکاری هزاره نخست پیش از میلاد، با تفصیل بیشتری بررسی شود. تحلیل تطبیقی گسترده‌تر با مجموعه‌های هم‌دوره می‌توانست در تبیین جایگاه این گنجینه در روند تحول هنر و فناوری فلزکاری ایران و خاور نزدیک، استدلال‌های کتاب را استحکام بیشتری ببخشد. همچنین، با توجه به حجم گسترده داده‌های مستند ارائه‌شده، ارائه یک جمع‌بندی نظری منسجم درباره جایگاه کلماکره در سیر تحول فلزکاری ایران می‌توانست یکی از دستاوردهای تحلیلی مهم کتاب باشد. در مجموع، محدودیت‌های مطرح‌شده بیش از آنکه به کیفیت پژوهش نویسندگان مربوط باشد، بازتاب شرایط استثنایی کشف و پراکندگی گنجینه کلماکره است. با وجود این، کتاب توانسته است با اتکا به مستندسازی دقیق و تحلیل میان‌رشته‌ای، تصویری منسجم و مستند از مجموعه‌ای ارائه دهد که تا پیش از این شناخت آن بر پایه داده‌هایی پراکنده و گاه ناهمگون استوار بود. از این رو، این اثر را می‌توان یکی از مهم‌ترین گام‌ها در

سامان‌دهی دانش موجود درباره گنجینه کلماکره دانست؛ هرچند ظرفیت آن برای توسعه در مجلدهای آینده، به‌ویژه در حوزه‌های باستان‌سنجی، فناوری فلزات و تحلیل‌های تطبیقی، همچنان باقی است.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب «گنجینه باستانی غار کلماکره» بر پایه پژوهشی متمرکز و میان‌رشته‌ای، مستندسازی نظام‌مند و گردآوری منسجم داده‌هایی که پیش‌تر پراکنده و دشوار یاب بودند، شکاف اطلاعاتی چشم‌گیری را در مطالعات این مجموعه پر کرده است. از آنجا که ارزش اصلی کتاب نه در معرفی صرف اشیاء، بلکه در تحلیل تاریخی، باستان‌شناختی، کتیبه‌شناختی و هنری آنهاست، این اثر داده‌های پراکنده را به پیکره‌ای منسجم و قابل‌ارجاع برای پژوهش‌های آینده تبدیل می‌کند. ارائه مستندات دقیق از اشیاء سبب شده کتاب از سطح یک کاتالوگ موزه‌ای فراتر رود و به منبعی پایه‌ای برای مطالعات تطبیقی در باستان‌شناسی، تاریخ هنر و فلزکاری ایران باستان، و نیز برای پژوهش‌های حفاظت، اصالت‌سنجی، مستندسازی آثار پراکنده و برنامه‌ریزی مطالعات باستان‌سنجی بدل شود. بنابراین، کتاب کارکردی دوگانه دارد: از یک سو، داده‌های موجود را تثبیت و نظام‌مند می‌سازد؛ از سوی دیگر، خود به طرح پرسش‌های جدید می‌انجامد. این پرسش‌ها، از جمله درباره فناوری تولید، منشأ مواد اولیه و چگونگی راه‌یابی گنجینه به غار در یک یا چند دوره زمانی، پیامد منطقی شکاف‌های دانشی هستند که کتاب آشکار کرده است. از این‌رو، انتشار کتاب را نه باید پایان مطالعات کلماکره، که باید سرآغاز مرحله‌ای تازه در پژوهش‌های مرتبط با این گنجینه دانست. بر این اساس، انجام مطالعات متالورژیکی و باستان‌سنجی، تحلیل‌های تطبیقی با مجموعه‌های فلزی هم‌دوره، تکمیل مستندسازی آثار پراکنده، ایجاد بانک اطلاعاتی جامع و انتشار مجلدهای تخصصی درباره فناوری ساخت و ویژگی‌های مواد، گام‌هایی هستند که به‌شکل منطقی بر بنیان داده‌های این کتاب قابل‌تعریف و پیگیری‌اند و می‌توانند شناخت دقیق‌تری از جایگاه کلماکره در تاریخ فلزکاری ایران فراهم آورند. از نویسندگان انتظار می‌رود با تکمیل مطالعات مجموعه، مجلدهای دیگر را منتشر نمایند.

۶. پیشنهاد به بهانه چاپ این کتاب

از منظر حفاظت از میراث فرهنگی، انتشار این کتاب را باید نقطه آغازی برای یک برنامه پژوهشی و حقوقی بلندمدت دانست. مستندسازی دقیق آثار، ثبت نظام‌مند اطلاعات شناسنامه‌ای، و انتشار تصاویر استاندارد با بالاترین کیفیت، این اثر را به مرجعی معتبر و بی‌بدیل برای اصالت‌سنجی اشیای منسوب به غار کلماکره تبدیل کرده است؛ به‌گونه‌ای که آزمایشگاه تخصصی موزه قلعه فلک‌الافلاک در لرستان، ایران، به‌عنوان مرکز علمی معتمد، می‌تواند بر اساس داده‌های این کتاب، تطابق یا عدم تطابق هر شیء مشکوک را با گنجینه اصلی بررسی و تأیید کند. افزون بر این، مجموعه مستندات ارائه‌شده در این اثر — شامل توصیفات دقیق، ابعاد، وزن، تصاویر، کتیبه‌ها و پرونده‌های توقیف — ظرفیت ارائه ادله قضایی معتبر در محاکم بین‌المللی را دارد و می‌تواند مبنایی اسناد علمی در پرونده حقوقی برای پیگیری استرداد اشیای به‌سرقت‌رفته از مجموعه‌های خارجی قرار گیرد. بدین‌سان، این کتاب نه تنها منبعی علمی، بلکه سندی حقوقی-تاریخی برای احقاق حقوق مادی و معنوی ایران در عرصه‌های بین‌المللی به‌شمار می‌رود و می‌تواند الگویی برای مستندسازی و پیگیری دیگر گنجینه‌های غارت‌شده ایران و خاورمیانه باشد.

پی‌نوشت

۱. پرویز، ا.، نظارتی‌زاده، م.، و دارابی، م. (۱۴۰۳). گنجینه باستانی غار کلماکره. تهران: علمی و فرهنگی.

رازانی، مهدی (۱۴۰۵). معرفی و نقد کتاب «گنجینه باستانی غار کلماکره». میراث جنوب غربی آسیا، ۳ (۱)، ۶.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2026.594681.1057>